



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۷۲ | مهر ۱۴۰۰

نوجوان
ج.م.ج



محمد طائب



گفت و گو با وجیهه سامانی، نویسنده‌ای که ۲ کتاب پرمخاطب برای نوجوان‌ها نوشته است

چمدانی پراز کتاب در جزیره ناشناخته

#نوجوونیم
نخستین جشنواره نوجوان برگزیده سال

❖ فرض کنید به مکان ناشناخته‌ای می‌خواهید بروید و فقط می‌توانید سه شیء و دو همراه با خودتان ببرید؟ آن سه شیء و دو همراه چه و چه کسی بودند؟

سه شیء کتاب قرآن، گوشی تلفن همراه و چمدانی پراز کتاب.

و چون دارم به جای ناشناخته‌ای می‌روم و نمی‌دانم با چه چیزهایی روبه‌رو می‌شوم و اتفاقات و سختی‌های احتمالی‌اش برایم قابل پیش‌بینی نیست، در نتیجه ترجیح می‌دهم تنها باشم.

❖ شما داور بخش داستان جشنواره نوجوانیم هستید. می‌خواهید راجع به جشنواره توضیح بدید؟

این اولین دوره برگزاری این جشنواره است که قرار است بهترین نوجوان سال در رشته‌های مختلف شعر، داستان، گویندگی، کارگردانی و... انتخاب شود. امتیاز این جشنواره هم در این است که صرف‌اً اثر یا آثار نوجوان‌ها فقط بررسی و امتیازبندی نمی‌شود و یک نوجوان موفق از جمیع جهات مورد ارزیابی تیم داور می‌گردد و در نهایت داور اصلی از بین منتخبان گروه نوجوان، برگزیده نهایی و نوجوان موفق سال را انتخاب می‌کند.

❖ شما قرار است بین چند نوجوان علاقه‌مند به داستان داور می‌کنید، نمی‌ترسید از قضاوت کردن؟

قضاوت کردن همیشه یکی از سخت‌ترین کارهای دنیاست. بعد از سال‌ها داور در جشنواره‌های ادبی مختلف و مهم، هنوز هم وقتی به داور آثار می‌نشینم، استرس و نگرانی دارم که مراقب باشم حق از کسی ضایع نشود و خروجی قضاوت و داورم، به حق نزدیک تر باشد.



متماایل بود. در کنکور هم ناچار در یکی از رشته‌های پیراپزشکی دانشگاه سراسری قبول شدم. یک ترم خوانده و انصراف دادم و دو سال طول کشید تا به رشته علوم انسانی تغییر رشته بدهم و مجدداً دانشگاه قبول شوم. این دو سال تأخیر در ورود به دانشگاه، حتی آن چهار سال دوره دبیرستان کلی زمان و انرژی و فرصت را از من گرفت. به جای خواندن جبر و مثلثات و شیمی و زیست، می‌توانستم شعرها و داستان‌های بیشتری بخوانم و روی نویسندگی متمرکزتر شوم چون من از ابتدایی نوشتن را شروع کرده بودم و از ۱۴ سالگی با پیک قصه‌نویسی حوزه هنری به صورت حرفه‌ای داستان‌نویسی را دنبال می‌کردم اما یکی دو سال سخت منتهی به کنکور و دو سال بعد از انصراف از دانشگاه، کلی وقت هدر دادم برای این که بیفتم در مسیری که دوست داشتم و این تاوان سنگینی بود که برای یک انتخاب رشته اشتباه پرداخت کردم.

❖ اوضاع تألیف کتب حوزه نوجوان در کشور است؟ می‌شود امیدوار بود؟

دهه ۷ دوره طلایی تألیف آثار نوجوان بود. اما متأسفانه از اوایل دهه ۸۰، بازار به نفع کارهای ترجمه برگشت که آثار و تبعاتش تا امروز هم ادامه دارد. البته چند سالی می‌شود که نویسندگان حوزه نوجوان، فعال تر شده‌اند و کتاب‌های خوبی در این عرصه نوشته شده که امیدوارم مستمر و روبه‌رشد باشد.

❖ اگر جای وزیر ارشاد بودید، چه تصمیمی در این باره می‌گرفتید؟

حمایت از کارهای تألیفی در مقابل کارهای ترجمه، البته به آن معنا نیست که کارهای ترجمه نادیده گرفته شود، چون در حال ادبیات هر جامعه‌ای برای پویا و فعال شدن نیازمند تبادل فرهنگ و اطلاعات بین کشورهاست و توازن این دو کفه به شکل عادلانه‌ای باید برقرار شود و این طور نشود که به خاطر راحت و کم‌هزینه‌ی وبی در دسترس بودن چاپ آثار ترجمه و پرسود بودن بازار این آثار، کارهای تألیفی کم‌فروغ و کم‌رنگ شود.

❖ رؤیای دوره نوجوانی خانم سامانی چه بود؟ این که روزی نویسنده بزرگی شوم.

❖ کدام یک از آثارتان بیشترین بازخورد مثبت را داشته؟ رمان «خواب باران» که برای رده سنی بزرگسال نوشتم و رمان «آن مرد با باران می‌آید» که برای نوجوان هاست.

❖ می‌دانیم آثارتان را مثل بچه‌هایتان دوست دارید و بین‌شان فرقی قائل نیستید اما کدام یک را دوست دارید اینجام معرفی کنید؟

رمانی که در دست تألیف دارم، اتفاقاً خیلی بچه‌بازگوشی از آب درآمده و همین اول راه خیلی اذیت می‌کند.

حتماتاً به حال با جشنواره «نوجوونیم» که قرار است نوجوان‌های برگزیده سال در زمینه‌های مختلف ادبی و هنری را مشخص کند آشنا شده‌اید. اگر هم نشدید نگران نباشید، نوجوانه جام جم یکی از پایه‌های برگزاری این جشنواره است و حتماً خبرهایی از آن را به شما اعلام خواهیم کرد. حالا هم قرار است با یکی از داوران این جشنواره گفت‌وگو کنیم؛ یعنی سرکار خانم وجیهه سامانی، داور بخش داستان.

❖ مادر بودن چه وجه شباهت و تفاوت‌هایی دارد با نویسنده بودن؟

در هر دو به نوعی تو صاحب و مالک چیزی هستی که می‌خواهی به بهترین شکل ممکن تربیت و عرضه‌اش کنی. دوست‌نداری در مسیر رشد و تکاملش چیزی کم بگذاری و از هر فرصت و وسیله‌ای استفاده می‌کنی تا به بهترین و کامل‌ترین شکل ممکن به دنیا تحویلش بدهی. ما چه در قبال فرزندان و چه در قبال کتاب‌ها و محتواهایی که عرضه می‌کنیم مسوول بوده و باید جواب پس بدهیم چون قطعه‌ها در آنها در اجتماع و در مسیر زندگی آدم‌ها اثرگذارند.

❖ بعد از تقریظ رهبری حس و حال نویسندگی شما چه تغییری کرد؟

قبلاً جوایز ادبی متعددی راز جشنواره‌های مختلف کسب کرده بودم اما همه‌جا گفتم و باز هم تکرار می‌کنم هیچ جایزه داخلی و بین‌المللی به این اندازه نمی‌توانست مرا خوشحال کند. به نوعی مزد زحمات دوده تلاش در عرصه نویسندگی‌ام را گرفتم.

❖ رفتار شما به عنوان مادر در دوره نوجوانی پسر تون با دوران نوجوانی دخترتون چه تغییراتی داشته و دارد؟

البته پسر من این دوره را پشت سر گذاشته و دخترم در آستانه ورود به نوجوانی است، طبعاً هنوز نوجوانی دخترانه را تجربه نکرده‌ام اما طبیعتاً به دو دلیل خیلی باهم تفاوت خواهد داشت؛ اول این که کلا روحیات و خلقیات و حساسیت‌ها و ویژگی دخترها و پسرها باهم فرق دارد و دوم این که زمانه‌ای که در آن هستیم، بسیار متفاوت از یک دهه قبل است. ما الان با سرعتی باورنکردنی روی دور تند تغییرات هستیم و اگر قبلاً هر چند دهه، یک نسل تغییر می‌کرد، الان هر سال این اتفاق در حال وقوع است و طبعاً باید خیلی حواس مان جمع باشد که از زمانه فرزندان مان عقب نیفتیم و آنها را مطابق مقتضیات دوران خودشان پرورش بدهیم.

❖ اگر به نوجوانی برمی‌گشتید کجای مسیر زندگی‌تان را تغییر می‌دادید؟

من در دبیرستان وارد رشته علوم تجربی شدم چون در آن دوران بچه درس‌خوان‌ها یا باید به تجربی می‌رفتند یا ریاضی. در حالی که روحیات و علاقه مندی‌های من بیشتر به رشته علوم انسانی